

ک کی

درس نهم

لک لک



جدول ترکیب	آ ا	او و	ای ی ای	ا - ه	اُ
ک ک	کا	کو	کی	که	کُ

کار - کُت - یک - کِش - کِرم - کِرم - ساک - شکر - کِنار - کَدو - کشک - بانک - تانک
 یک - کُند - اُردک - تاریک - باریک - نزدیک - تَبَریک - کُودک - موشک - سائیت
 دُکتر - کباب - کتاب - دیکته - کم - کم - کَمک - کاسه - مشک - کَنده - کوزه - کُشتی
 نَمک - نَمکدان - بادکُنک - بادبادک - تاکسی - مَبَارک - کارمند - کمان - کِرمان - کاشان
 زیرک - کارون - کاکتوس - کبریت - سوسک - کوسه - اَکرم - اَکبر - کارنامه - نیکوکار
 می کارم - کاشتم - می کُند - می کوپی - کُتِ مشک - دُکترِ کُودکان - کاسه یِ آتش - کَنده یِ زنبور
 کوزه یِ آب - کشکِ تازه - بانکِ مَرکزی - نَمکدانِ پُر - دیکته یِ آسان - یکِ کَدو

متن روان‌خوانی را با دقت بخوان و با توجه به آن، به سؤال‌ها جواب بده.



داستانِ امروز درباره‌ی دکترای است که در آراک به دنیا آمده است.

این دکتر برای درس و دانش، در آمریکا بوده است.

دکتر اکبری، دکتر کودکان است. او کارش را بسیار دوست دارد.

او مردی نیکوکار است. او به نیازمندان کمک می‌کند.

او شش کتاب با ارزش برای درمان بیماری کودکان آماده کرده است.

او برای کمک به آسایش مردم کشورش، به ایران آمده است.

یک شب که آسمان تاریک شده بود، او بیمارستان را ترک کرد. در تاکسی زرد نشست.

راننده‌ی تاکسی دکتر را آشنا می‌دید.

راننده با اشک دکتر را شناسایی کرد. او شاد شده بود.

او در کودکی یکی از بیماران او بوده که با کمک دکتر، درمان شده بود.

دکتر تک‌تک بیماران را به یاد دارد.

بیماران نیز دکتر درست‌کار را از یاد نمی‌برند.

راننده‌ی تاکسی، شماره‌ی دکتر را یادداشت کرد تا در آینده نیز با او تماس داشته باشد.

